



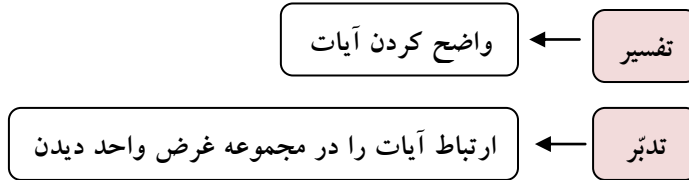
سوره مبارکه فرقان

جلسه ششم: ۹۲/۷/۲۷

توضیحاتی راجع به «تفسیر» و «تدبر»:

- تفسیر: واضح کردن آیات، «تفسیر» نامیده می‌شود.

- تدبیر: آیات را در مجموعه و غرض واحدی دیدن، «تدبیر» نامیده می‌شود.



- تفسیر از تدبیر آسان‌تر است زیرا در تدبیر احتیاج به جامع‌نگری داریم.

- در تدبیر می‌توان ارتباطات بیشتری را کشف نمود و سرّ خیلی از مطالبی که در سوره آمده است را بفهمیم.

- در این سوره، مجموعه آیاتی که کنار هم چیده شده‌اند، بسیار متنوع‌اند.

- آیات ۶۳ به بعد راجع به «عبادالرحمان» است.

- «عبادالرحمان» کسانی هستند که وحی به آنها نازل می‌شود یا تحت تعلیم وحی قرار می‌گیرند یعنی کسانی که پیامبر را قبول کرده و تحت تعلیم پیامبر می‌روند.

- در این جلسه عبادالرحمان از منظر کل سوره بررسی می‌شوند:

ادامه آیات:

مرور کلی بر آیات ۴۵ به بعد:

از آیه ۴۵ تا ۶۲: این آیات بخش «اعتقادی» عبادالرحمان مطرح شده است.

از آیه ۶۳ تا آخر: بخش «عملیاتی» عبادالرحمن مطرح شده است.

آیات ۴۵ و ۴۶: عبادالرحمان عالم را به صورت ظلی (سایه‌ای) مشاهده می‌کنند و برای اینکه ثابت کنند مخلوقی وجود دارد، از خورشید دلیل می‌گیرند. نشانه هر چیز را از خود خدا می‌گیرند.

آیات ۴۷ و ۴۸: از نعمت‌های اولیه‌ای که خدا داده است استفاده بهینه می‌کنند. شب را به عنوان «لباس»، خواب را به عنوان «آرامش» و نهار را به عنوان «نشور» (گسترش) استفاده می‌کنند. شب آنها شب است و روزشان، روز است و سیستم اعتقادی‌شان کاملاً صحیح است.

آیه ۴۹: آنها نظام عالم را در چرخه‌ای می‌بینند که تحت تأثیر فیض الهی قرار دارد. همین که فیض الهی عبور می‌کند «حیات» ایجاد می‌کند. آنها حیات را می‌بینند اما حیات را از خودشان نمی‌بینند.

آیه ۵۰ و ۵۱: عبادالرحمان اعتقاد راسخ به حرکت و قیام دارند زیرا اگر مردم به خودشان باشد اکثراً کفر را انتخاب می‌کنند.

آیه ۵۲: عبادالرحمن اعتقاد خاصی به پیامبر دارند و برای ایشان نقش و جایگاه ویژه‌ای قائل‌اند. آنها معتقدند که بین پیامبر و جبهه کفر تمایز وجود دارد و در هیچ حالتی این دو جبهه جمع نشدنی نیستند.

آیه ۵۳: نظام تفصیل، تمایز و بسترهای متعدد را معتقدند. اصل تفاوت‌ها بین افراد مختلف را قائل‌اند. مانند تفاوت بین زن و مرد، مؤمن و کافر، بچه و بزرگ و ...

آیه ۵۴: عالم را در امتداد نسل می‌بینند. لذا در این امتداد نسل هر تحولی بخواهد اتفاق بیفتد صورت می‌گیرد و طبق همین نظام است که حضرت ابراهیم دعا می‌کنند نسل و ذریه‌اشان از نمازگزاران باشند. آنها نسل را یک زنجیره می‌بینند و خودشان را منقطع از آن نمی‌بینند.

آیه ۵۵: آنها کسانی را می‌شناسند که غیر خدا را عبودیت می‌کنند.

آیه ۵۶: آنها به شأن رسالت و عبودیت واقف‌اند.

آیه ۵۷: اعتقاد به اخذ سبیل برای رسیدن به پیامبر (ص) و ارزش‌ها دارند. اجر رسالت را با استفاده از سبیل می‌دهند.

آیه ۵۸: این آیه بحث توکل، تسبیح، حمد و استغفار است.

آیه ۵۹: سرّ توجه به ادعیه مختلف است. زیرا در ادعیه خدا با اسماء و صفات خوانده می‌شود و این آیه رونمایی از افعال خداست.

آیه ۶۰: آنها می‌دانند که وقتی سیستم افراد از مدار حق خارج شود، به طور طبیعی از عبادالرحمن نفرت پیدا می‌کنند.

آیه ۶۱: اعتقاد به آسمان دارای برج، سراج و قمر منیر دارند که نظام برکت را ایجاد می‌کند.

آیه ۶۲: اعتقاد به نظام جبران و خلفه بودن (جایگزینی) دارند.

آیه ۶۳: عبادالرحمن حرکت می‌کنند اما نه با تکبر و تفاخر. منظور از حرکت، مشی و روش آنهاست. آنها در مقابل جاهلان «سلام» دارند یعنی خطاب جاهلانه آنان، عبادالرحمن را از مدار حق خارج نمی‌کند.

آیه ۶۴: آنها اهل بیتوته شب هستند و شبشان با سجده است.

آیه ۶۵ و ۶۶: آنها واقعاً از عذاب می‌ترسند و به خاطر ایمانشان ادعایی از خدا ندارند و می‌دانند جهنم جای خوبی نیست. آنها در انفاق خود اسراف نمی‌کنند. یعنی در محل و موضع خود خرج می‌کنند یعنی در اختیار «امام» قرار می‌دهند. در انفاق دستشان بسته نیست.

آیه ۶۷: بین اسراف و دست بسته بودن روشی دارند که آن روش سبک مشخصی دارد.

آیه ۶۸: آنها فقط خدا را می‌خوانند. قتل نفس هم نمی‌کنند مگر مجوز شرعی داشته باشند. زنا هم نمی‌کنند.

آیه ۶۹ و ۷۰ و ۷۱: این آیات جملات معترضه است و خصوصیت کسی را بیان می‌کند که این کارها را انجام می‌دهد. جملات معترضه در قرآن بسیار مهم است و با «غرض سوره» مرتبط است. جملات معترضه در سطح بالایی قرار دارند. اگر کسی سوره را بخواند و جملات معترضه آن را استخراج کند می‌تواند غرض سوره را پیدا کند.

- افرادی که در این آیات معترضه، وصفشان آمده است کسانی‌اند که اهل توبه و استغفارند و خداوند سیئاتشان را به حسنه تبدیل می‌کند. در این آیات، قانونی مطرح می‌کند که هر کس توبه کند و عمل شایسته انجام دهد بازگشت شایسته‌ای به سوی خدا خواهد داشت. این جزء بدیهیات است.

آیه ۷۲: آنها گواهی به زور نمی‌دهند. «زور» یعنی خلاف واقع و حق. آنها وقتی بر لغوی می‌گذرند با بزرگواری می‌گذرند.

آیه ۷۳: وقتی آیات خدا برایشان یادآوری می‌شود مانند انسان‌های کور و کر نیستند که به سجده نیفتند، بلکه به سجده می‌افتند.

آیه ۷۴: افق آنها بسیار بلند است. منظور از ازواج و ذُرِّیَّات این نیست که آنها تعدد زوجات دارند بلکه منظور ازواج طولی و عرضی است. آنها از یک سمت «آباء» و از سمت دیگر «ابناء» را می‌بینند (سوره طور). نظام آنها انقطاع ندارد. آنها می‌توانند حتی زنجیره‌ای را مشاهده کنند که هنوز متولد نشده‌اند.

– منظور از امامت، امامت به معنای خاص نیست. هر عبادالرحمانی می‌تواند از خدا درخواست کند که پیشرو جریان حق و با تقوایی باشد.

آیه ۷۵: «تَحِیَّت» و «سلام» دو نوع پاداش است. (تَحِیَّت از حیّ گرفته شده است.) این گونه نیست که آنها مردم را دعوت کنند ولی در راه هدایت کردنشان با مشکلات فراوانی رو به رو نشوند. آنها در بوتۀ آزمایش‌های الهی قرار می‌گیرند ولی صبر می‌کنند. به آنها انواع حیات، سلامتی و ایمنی داده می‌شود به خاطر صبرشان.

آیه ۷۶: «خلود» برای آنها وجود دارد و مقام آنها «مستقر» است.

آیه ۷۷: ای پیامبر به آنها بگو: پروردگار من به شما اعتنایی نخواهد کرد اگر طلب شما نباشد. مانع، حائل و آسیب این دعا «تکذیب» است. تا انتهای عالم (خلود) با تکذیب همراه است. «تکذیب» یعنی دعای آنها منطبق بر حق نباشد. دعا باید منطبق بر حق باشد.

– **جملات معترضه:** وقتی چند آیه به صورت پیوسته آید و آیه‌ای ظاهراً غیر مرتبط با آنها قرار گیرد به گونه‌ای که اگر آن آیه را برداریم آیات قبل و بعد از آن آیه به هم متصل شود آیه‌ای که در بین قرار می‌گیرد جمله معترضه است که این جملات معترضه در سوره بسیار مهم هستند و غرض سوره در این آیات قرار گرفته است. (مانند: انتهای آیه ۶۸ تا انتهای آیه ۷۱ سوره فرقان)

– در این آیات بیان شده که وضع تکوینی اینها به گونه‌ای است که حسنات را به سیئات تبدیل می‌کند و این مطلب برای ما دلگرمی بسیاری ایجاد می‌کند زیرا نقش ولایت در سیئه شدن و حسنه شدن بسیار مهم است و مانند نقش روح به جسم است. زیرا ولایت یعنی جهت فرد به سمت حق یا باطل باشد.

توجه مهم: قرآن سطوح مختلفی دارد. باید هنگام خواندن به ذومراتب بودن آن توجه کنیم.

– وقتی قرآن می‌خوانیم اگر صفت خوبی که در آیات آمده است در ما وجود دارد، نباید وجود آن را نفی کنیم بلکه بگوییم که خدا را شکر و الحمدلله که این صفت در ما وجود دارد. زیرا هر صفت خوبی مالِ خداست فلذا نباید صفات خوب خود را نفی کنیم.

– توجه مهم: سوره فرقان می‌خواهد در ما «طلب» و «دعا» ایجاد کند. زیرا اگر در انسان طلب وجود نداشته باشد، خدا به انسان اعتنایی نمی‌کند.

نکته راجع به دو صفت «رحمن» و «تبارک»:

الرحمن:

فیض وجود/ جریان وجود/ هستی بخش، وجود بخش

در قرآن در دو جا «رحمان» آمده است.

۱- در جاهایی مانند سوره الرحمن که مربوط به فیض و جریان وجود است.

۲- در جاهایی که راجع به انسان و هستی است مانند سوره مریم.

- وقتی انسان به حیثیت تکوین و نهایت درجه‌ای که خداوند برای او از نظر دریافت وجود در نظر گرفته مدّ نظر است نیز الرحمن به کار می‌رود.

- وقتی در سوره مریم رحمن به کار می‌رود یعنی حضرت مریم به نهایت درجه وجود و پاکی خود رسیده است.

- بنابراین مهم است که رحمن را در دو ساحت ببینیم: «ساحت هستی» و «ساحت انسان». انسان جزئی از ساحت هستی است. وقتی

رحمن در حوزه انسان به کار می‌رود یعنی انسانی که در هستی است و به نهایت قابلیت خود در هستی رسیده است.

- خدا چنین انسانی را برای خلیفه بودن می‌خواهد.

عبادالرحمن:

- عبادالرحمن نیز دو حیثیت پیدا می‌کند:

۱- نماینده خدا در هستی است. ← حیات بخش است. (مقام وساطت در حیات بخشی)

۲- بالاترین شکوفایی استعداد به نحوی که فرد امکان امامت برای دیگران را پیدا می‌کند. (مقام وساطت در امامت)

به دست آوردن بالاترین بهره عبودیت که منجر می‌شود به امامت برسد. (امام باید کسی باشد که قابل‌ترین است)

تبارک:

- تبارک: نسبت دادن برکت به خدا

- در تبارک برکت را به خدا نسبت می‌دهیم. انحصار دادن خیر کثیر به خداست.

- تبارک وقتی روی زمین قرار می‌گیرد یعنی نعمت‌های الهی به زمین انتقال پیدا می‌کنند، تولید خیر می‌کنند، انسان می‌تواند به وسیله

خیر راه خدا را طی کند و به خدا برسد و از هر موجودی نظام آیات و دلالت ایجاد شود، همه در نظام برکت است.

- توجه: «تبارک» همان «رحمان» است وقتی قابل رؤیت در زمین می‌شود. (بنابراین تبارک قابل رؤیت شدن صفت رحمانیت

خداست)

نکات:

۱- صفت تبارک و رحمان با هم مرتبط‌اند.

۲- وجه ارتباط این دو صفت با هم در فیض وجود است.

۳- در تبارک، فیض وجود در نظام تکوین عالم که قابل مشاهده و تفصیل است، مدّ نظر می‌باشد. در واقع آینه اسم رحمان در عالم

شود.

۴- با صفت تبارک موجودات که لیاقت دریافت وجود را یافته‌اند به صورت مراتب مشاهده می‌شوند.

۵- در نظام تبارک موضوع تمایز (فرقان) و تفصیل بین موجودات موضوعیت پیدا می‌کند.

۶- برکت در نظام انسانی، منجر به دارای اثر کردن نتیجه، عمل، فعل در مراتب مختلف می‌شود.

۷- در نظام برکت، رحمانیت خدا قابل تمرین کردن، مهارت‌ورزی و گسترش می‌شود.

۸- در نظام برکت (تبارک)، انسان دارای قوت و قدرتی عظیم و عجیب در عالم می‌شود. (افق‌سازی)

- یعنی هر موجود، هر پدیده و هر کاری لیاقتی پیدا می‌کند که در ابعاد و مراتب مختلف ذاتی اثر است که به این «نظام برکت» گویند. خدا انسان را بر اساس نظام برکت خلق کرده است زیرا از یک طرف نظام را تفصیل داده و رحمانیت خدا تفصیل یافته است و از طرف دیگر به انسان قدرت بهره‌مندی و مشاهده تفصیل را داده است.

- اگر کسی در نظام برکت رشد پیدا کند غیر ممکن است، حسود باشد. غیر ممکن است بخیل باشد و غیر ممکن است در انفاق کم بگذارد. غیر ممکن است بی‌تدبیر و بی‌تدبیر شود.

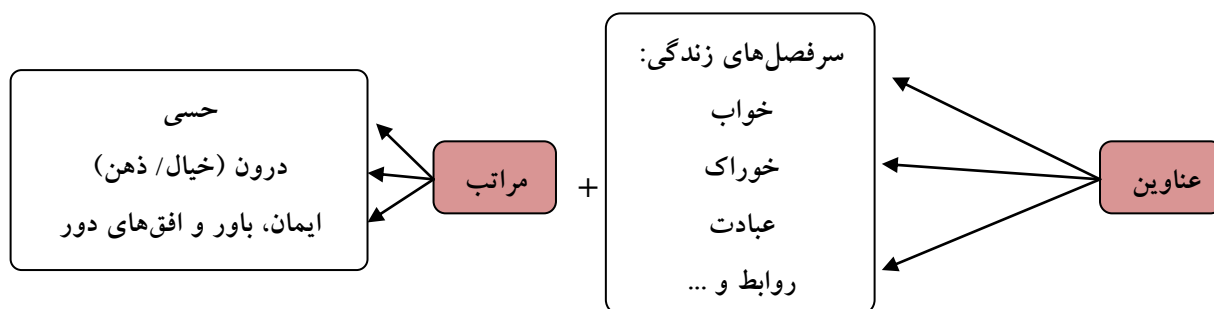
- فرد در نظام برکت می‌تواند نظام را یکپارچه ببیند و هم می‌تواند نظام را با مراتب ببیند.

- انسان با توبه، ایمان و عمل صالح می‌تواند به نظام برکت برگردد.

- در نظام برکت کمترین کار، بیشترین اثر و بهره‌وری را دارد.

زنگ دوم:

صفات عبادالرحمن از چند جهت قابل بررسی است:



- اگر نظام صفات در زندگی انسان اصلاح شود به طور طبیعی او در نظام برکت قرار می‌گیرد. (مانند اصلاح خواب، خوراک و ...)

- گاهی برای برکت یافتن به عناوین صفات در زندگی نگاه می‌کنیم و گاهی به مراتب آن. مثلاً مرتبه نماز شب بالاتر از بعضی امور دیگر است.

صفات لازمه	مراتب	حسی	درون/ خیال، ذهن	ایمان، باورها، افق دور
مشی تواضع		سلام		

- توجه: هر انحرافی در انسان اتفاق بیفتد بلافاصله در دعای او بروز دارد. اگر کسی بخواهد خودش را اصلاح کند باید از نظام دعا خود را اصلاح کند.

- تبارک با «خیر» ارتباط دارد.

- در نظام خیر: تفصیل، ترجیح، تعیین، حکمیت و تحقق وجود دارد.

- انسان باید در نظام تبارک هر چیزی را این گونه ببیند:

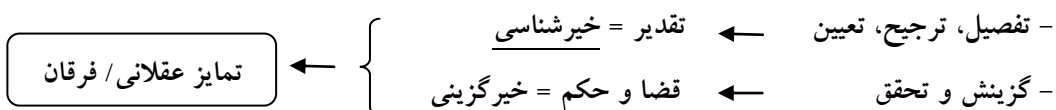
تفصیل: بتواند انواع گزینه‌ها را ببیند.

ترجیح: تفضیل (عقل): بهترین را انتخاب کند.

تعیین: رأی: قدرت رأی دادن داشته باشد.

حکمت: گزینش ← حکم / اراده می‌کند.

تحقق: عمل می‌کند.



- معرفت: علمی است که تفصیل یافته است.

- فرقان: مجموعه‌ای از دستاوردها که ایجاد تمایز می‌کند.

- وصیت / ساختار ایجاد کردن

- سطح «عباد الرحمن» در قرآن از سطح «اولوالالباب» نیز بالاتر است.

یا رسول الله دست ما را بهم بگیر

اللهم صل علی محمد و آل محمد و الحمد لله رب العالمین